

هویت اخلاقی: شناسایی و سنجش روایی رگه‌های اخلاقی

Moral Identity: Identification and Validation of Moral Traits

Zohreh Majdabadi Farahani, PhD

Payame-Noor University

زهرة مجدآبادی فراهانی

استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

به منظور دستیابی به هدف ساخت یک مقیاس هویت اخلاقی در دانشجویان عمدتاً بر اساس الگوی آکینو و رید (۲۰۰۲)، در این پژوهش دو مطالعه مقدماتی اجرا شد. در مطالعه اول برای شناخت رگه‌های اخلاقی، ۱۲۲ دانشجو (۵۶ درصد زن) در یک تکلیف فهرست آزاد که از آنها خواسته شده بود ویژگی‌های یک شخص اخلاقی را فهرست کنند، شرکت کردند. تحلیل محتوای پاسخ‌ها با در نظر گرفتن پنج معیار (هاردی و دیگران، ۲۰۱۱) به ۲۶ رگه غیرزائد منجر شد. در نمونه متفاوتی از مطالعه اول مشتمل بر ۲۱۷ دانشجو (۵۸ درصد زن) برای دستیابی به شواهد بیشتری از روایی این رگه‌ها، آنها از ابتدا لازم نیست (یک) تا مسلماً لازم است (پنج) درجه‌بندی شدند. نتایج نشان دادند ۲۴ رگه بالای میانگین مقیاس، درجه‌بندی شده‌اند. بررسی نتایج زنان و مردان دانشجو به شناسایی ۹ رگه‌ای که بالاترین درجه‌بندی را در هر دو جنس داشتند، منجر شد: باادب، قابل اعتماد، صادق، دارای احترام به خود، منطقی، وفادار، عادل، باایمان و صبور. این ۹ رگه به عنوان محرک‌های فراخواننده هویت برای ساخت مقیاس هویت اخلاقی در دانشجویان در نظر گرفته شدند. در مورد مضامین یافته‌ها بحث شد.

واژه‌های کلیدی: هویت اخلاقی، دانشجویان، رگه‌های اخلاقی، سنجش روایی

Abstract

In order to construct a moral identity scale primarily based on Aquino and Reed (2002) model, two pilot studies were conducted. The first study aimed to identify moral traits among college students. One hundred and twenty two students (56% females) participated in a free-listing task. The participants were asked to list characteristics that a moral person possessed. A content analysis of the traits based on five criteria (Hardy et al, 2011) resulted in 26 non-redundant traits. In order to obtain further evidence that these 26 traits had sufficient content validity, in a sample different from the first study 217 students (58% females) were asked to rate each trait using a scale ranging from 1 (absolutely unnecessary) to 5 (absolutely necessary). The results indicated that 24 traits were judged to be above the midpoint of the scale. Investigating the results of females and males students led to identification of nine traits that had the highest ratings: polite, trustworthy, honest, self-respect, rational, loyal, fair, religious, and patient. These nine traits were considered as identity-invoking stimuli for constructing moral identity scale. The implications of the findings were discussed.

Keywords: moral identity, college students, moral traits, validation

received: 26 January 2014

accepted: 6 April 2015

Contact information: z.majdabadi@pnu.ac.ir

دریافت: ۹۳/۱۱/۶

پذیرش: ۹۴/۱/۱۷

مقدمه

عمل اخلاقی پیوند می‌دهد (هاردی، والکر، السن، وودبری و هیکن، ۲۰۱۴).

در باب ساختار و مکانیزم هویت اخلاقی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. بلاسی (۱۹۸۳) در کوششی برای پرکردن شکاف بین استدلال اخلاقی و عمل اخلاقی، الگوی خود^۵ در باب کنش‌وری اخلاقی را مطرح ساخت. وی بر اهمیت مسئولیت‌پذیری شخصی و پابندی به ارزش‌ها و هدف‌ها تأکید داشت (ریمر، ۲۰۱۴). الگوی خود (بلاسی، ۱۹۸۳) واجد سه مؤلفه اصلی است: اول آنکه، قضاوت اخلاقی پیش از آنکه به عمل اخلاقی منجر شود از مجرای قضاوت مسئولیت^۶ (احساس مسئولیت شخصی برای عمل اخلاقی) عبور می‌کند. دوم آنکه، معیار قضاوت‌های مسئولیت، ناشی از ساختار خود فرد است. به بیان دقیق‌تر، آنچه بلاسی هویت اخلاقی می‌نامد اهمیت و برجستگی ارزش‌های اخلاقی برای احساس خود شخص است. سومین مؤلفه خودهمسانی^۷ است. از نظر بلاسی گرایش طبیعی انسان این است که می‌خواهد هماهنگ با احساس خودش زندگی کند. بنابراین وقتی خود فرد بر محور دغدغه‌های^۸ اخلاقی است، این میل به عنوان نیروی انگیزشی اصلی برای عمل اخلاقی عمل می‌کند. بلاسی استدلال می‌کند اشخاص هم از نظر محتواهای هویت و هم از نظر ساختار هویت متفاوتند.

برخی صاحب‌نظران در مفهوم‌پردازی هویت اخلاقی، روی‌آورد اجتماعی-شناختی را اتخاذ کرده‌اند. روی‌آورد اجتماعی-شناختی می‌کوشد انسجام شخصیت و تغییرپذیری آن را بر حسب مکانیزم‌ها، ساختارها و فرایندهای پردازش اطلاعات اجتماعی تبیین کند (سرون و شودا، ۱۹۹۹ الف). در این روی‌آورد فرض می‌شود فعال‌سازی^۹ بازنمایی‌های ذهنی برای پردازش اطلاعات اجتماعی بسیار مهم است. این بازنمایی‌های ذهنی، دانش موقعیت‌های اجتماعی، بازنمایی‌های خود، دیگران، و رویدادهای آینده، هدف‌ها، باورها و انتظارات شخصی و دانش انتخاب‌های رفتاری و راهبردهای تکلیف را دربر می‌گیرند و به اشکال گوناگون به عنوان طرحواره‌ها^{۱۰}، پیش‌نمونه‌ها^{۱۱}، طرحواره‌های متنی^{۱۲}،

چگونگی تبیین رفتار اخلاقی مسئله‌ای است که از دیدگاه‌های متفاوت به آن نگریسته شده است. در سنت روان‌شناختی، روی‌آورد شناختی-تحویلی یکی از اولین و تأثیرگذارترین روی‌آوردهای نظری در پاسخ به این مسئله محسوب می‌شود (برای مثال، پیازه، ۱۹۳۲؛ کلبرگ، ۱۹۶۹). از نظر کلبرگ (۱۹۶۹) اگر اصول اخلاقی شناخته شوند، فی‌نفسه عمل اخلاقی را برمی‌انگیزانند. فرض کلبرگ این بود که با نمودیافتگی^۱ ظرفیت استدلال اخلاقی، افراد تمایل بیشتری پیدا می‌کنند که اصول اخلاقی را در قضاوت‌هایشان در موقعیت‌های اخلاقی به کار ببرند. با تحول استدلال اخلاقی، اصول اخلاقی و ماهیت همگانی و رهنمودی آن برای افراد برجسته‌تر می‌شود و آنها را سوق می‌دهد به اینکه احساس اجبار بیشتری کنند که هماهنگ با قضاوت‌های اخلاقی‌شان رفتار کنند.

اگرچه قسمت اعظم بررسی‌ها در باب اخلاقی بودن^۲ در نیمه قرن گذشته از روی‌آورد شناختی-تحویلی نشأت گرفته، چندین عامل موجب شده است به نقش هویت در اخلاقی بودن توجه شود. اول آنکه، استدلال اخلاقی فقط در حد متوسط^۳ عمل اخلاقی را پیش‌بینی می‌کند (بلاسی، ۱۹۸۰). دوم آنکه، افرادی که از نظر اخلاقی در سطح بالایی قرار دارند ظرفیت استدلال اخلاقی خیلی پیشرفته‌ای ندارند (کلبی و دامون، ۱۹۹۲). به همین دلیل، برخی از صاحب‌نظران همچون بلاسی (۱۹۸۰)، رست (۱۹۸۳) و حتی خود کلبرگ (کلبرگ و کندی، ۱۹۸۴) به نیاز شناسایی تعدیل‌کننده‌ها و واسطه‌گرهای بین استدلال اخلاقی و عمل اخلاقی اذعان داشته‌اند. در این راستا، برخی صاحب‌نظران مفهوم هویت اخلاقی^۴ را مطرح کرده‌اند.

تعریف هویت اخلاقی دشوار است چه این سازه نقطه تلاقی دو پیشینه غنی و بسیار انتزاعی یعنی، هویت و اخلاقی بودن است. در کل، هویت اخلاقی به اهمیت اخلاقی بودن برای هویت شخص اطلاق می‌شود (هاردی، بین و اولسن، ۲۰۱۴؛ هاردی و کارلو، ۲۰۱۱ الف؛ هاردی و کارلو، ۲۰۱۱ ب). هویت اخلاقی در تحول و رفتار اخلاقی به عنوان یک منبع انگیزش اخلاقی محسوب می‌شود؛ یعنی، قضاوت اخلاقی را با

1. maturity
2. morality
3. modest
4. moral identity
5. self-model
6. judgment of responsibility

7. self-consistency
8. concerns
9. activation
10. schemas
11. prototypes
12. scripts

در مورد هویت اخلاقی و در نهایت، با در نظر گرفتن هویت اخلاقی به عنوان یک مؤلفه هویت اجتماعی که بخشی از خودطرحواره‌های اجتماعی^۵ شخص (ساختار دانش سازمان‌یافته و منحصر به فرد در حافظه که هویت‌های اجتماعی را به خود مربوط می‌سازد) محسوب می‌شود، به ساخت مقیاس هویت اخلاقی همت گماشتند. در پژوهش حاضر از الگوی آکینو و رید (۲۰۰۲) بهره گرفته شده است.

در الگوی آکینو و رید (۲۰۰۲) هویت اخلاقی، خودپنداشتی^۶ تعریف شده است که بر محور مجموعه‌ای از رگه‌های اخلاقی سازمان یافته است. رگه‌های اخلاقی در حافظه افراد حک می‌شوند و به مفهوم «اخلاقی» در بازنمایی‌های ذهنی خود پیوند می‌یابند. آکینو و رید (۲۰۰۲) بر این باورند که اگرچه ممکن است چندین رگه اخلاقی غیرهمپوش وجود داشته باشد که هویت اخلاقی یکتای فرد را تشکیل دهد، مجموعه‌ای از رگه‌های مشترک وجود دارند که احتمالاً برای تعریف خود اخلاقی بیشتر انسان‌ها از اهمیت برخوردارند. آکینو و رید (۲۰۰۲) ادعا کردند تعریف مبتنی بر رگه از هویت اخلاقی از پدیده روان‌شناختی فعال‌سازی انتشاری^۷ که آندرسون^۸ در سال ۱۹۸۳ مطرح ساخته است سود می‌جوید با فرض اینکه رگه‌های اخلاقی شبکه‌ای از مؤلفه‌های مرتبط را تشکیل می‌دهند. در نتیجه، برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی لازم نیست کل مجموعه رگه‌هایی که هویت اخلاقی یکتای شخص را تشکیل می‌دهند، کشف کرد بلکه همه آنچه برای فراخواندن^۹ و متعاقباً اندازه‌گیری هویت اخلاقی شخص لازم است، فعال‌سازی مجموعه رگه‌های اخلاقی است که با دیگر رگه‌های اخلاقی پیوند دارند و ممکن است برای خودپنداشت شخص مهم‌تر باشند. بدین ترتیب، آکینو و رید (۲۰۰۲) برای ساخت مقیاس هویت اخلاقی یک سلسله مطالعات انجام دادند. این مؤلفان با استناد به پژوهش‌هایی که نشان دادند سرخ^{۱۰}‌هایی همچون واژه‌ها می‌توانند برجستگی یک هویت اجتماعی به خصوص را افزایش دهند و پژوهش‌هایی در باب پنداشت‌های طبیعی^{۱۱} از شخص اخلاقی و منش^{۱۲} خوب (والکر و پیتس، ۱۹۹۸؛ لپسلی و لسکی، ۲۰۰۱) که نشان دادند

طرح‌ها، هدف‌ها و سازه‌های مشابه مفهوم‌پردازی می‌شوند. لپسلی (۱۹۹۶، ۱۹۹۸) با بهره‌گیری از این دیدگاه استدلال کرد شخصیت اخلاقی به بهترین نحو بر حسب شدت قابلیت دسترسی^۲ طرحواره‌های اخلاقی برای بنا کردن رویدادهای بین‌شخصی درک می‌شود. بنابراین، یک شخص اخلاقی یا شخصی که هویت اخلاقی دارد کسی است که برای او طرحواره‌های اخلاقی برای پردازش اجتماعی شدیداً در دسترس‌اند و فعال می‌شوند. افزون بر این، تفاوت‌های فردی در قابلیت دسترسی به این ساختارهای دانش برای تعبیر و تفسیر رویدادهای اجتماعی وجود دارد (لپسلی و لسکی، ۲۰۰۱). از دیدگاه اجتماعی-شناختی، هویت اخلاقی شخص به عنوان یک ساختار دانش پیچیده مشتمل بر ارزش‌ها، هدف‌ها، رگه‌ها، و طرحواره‌های متنی رفتاری در حافظه ذخیره می‌شود (آکینو، فریمن، رید، لیم و فلیس، ۲۰۰۹). یکی از چالش‌های عمده در پژوهش‌های هویت اخلاقی، اندازه‌گیری مناسب این سازه غنی است. بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی به کار گرفته شده است. در یک روش از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود مجموعه‌ای از رگه‌های اخلاقی و غیراخلاقی را از نظر اهمیتی که برای احساس خود آنها دارند، درجه‌بندی کنند و سپس تفاوت بین میانگین درجه‌بندی‌های اخلاقی و غیراخلاقی را به دست می‌آورند (برای مثال، هاردی، ۲۰۰۶). در مطالعات دیگر، هویت اخلاقی به‌طور غیرمستقیم بر حسب نمونه بودن از نظر اخلاقی (نمونه اخلاقی^۳ کسی است که از نظر اخلاقی در سطح بالایی قرار دارد؛ برای مثال، متسوبا و والکر، ۲۰۰۴) یا مشارکت در کار عام‌المنفعه^۴ (برای مثال، هارت، اتکینز و فورد، ۱۹۹۹) اندازه‌گیری می‌شود. برخی از پژوهشگران برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی از مصاحبه بهره گرفته‌اند (برای مثال، والکر و فریمر، ۲۰۰۹).

مقیاسی که به‌طور گسترده برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی به کار گرفته شده است، یک مقیاس خودگزارش‌دهی است که به‌وسیله آکینو و رید (۲۰۰۲) طراحی شده است (هاردی و دیگران، ۲۰۱۴). آکینو و رید (۲۰۰۲) با بهره‌گیری از دیدگاه بلاسی (۱۹۸۴) و اریکسون (۱۹۶۴) و دیدگاه اجتماعی-شناختی

- | | | | |
|-------------------|-----------------------|-------------------------|------------------------------|
| 1. plans | 4. community service | 7. spreading activation | 10. cue |
| 2. accessibility | 5. social self-schema | 8. Anderson, J. R. | 11. naturalistic conceptions |
| 3. moral exemplar | 6. self-conception | 9. invoking | 12. character |

فرهنگ فردی نگر^۱ تشکیل می‌شود، مستلزم دیدگاه دوگانه‌نگری از جهان است. بر این اساس تمایز آشکاری بین ذهن و ماده، شناخت و عاطفه، خود و جامعه، طبیعت و فرهنگ، و... وجود دارد. از دیدگاه غربی، فرد اولویت دارد و مهم‌تر از جامعه است. اخلاقی بودن غربی بر اساس مفهوم حقوق طبیعی و نه وظایف طبیعی یا هدف‌های اجتماعی قرار داده می‌شود. در تضاد شدید با اخلاقی بودن فردمحور^۲ غربی، محتوای نظام‌های اخلاقی جهان شرقی فارغ از نوع گرایش‌شان، وظیفه‌محور^۳ است. به جای ترسیم مرزی گرد جسم فرد، از نظر اکثر فیلسوفان شرقی این مرز شامل خانواده فرد یا کل جامعه می‌شود. پیروان فلسفه شرقی معمولاً باور دارند نیروهای بیرونی نظم اجتماعی را از پیش تعیین می‌کنند. اخلاق شرقی مبتنی بر وظیفه یا هدف‌های گروهی است و نه حقوق (هوآنگ، ۲۰۰۱).

حال این پرسش مطرح می‌شود که برای ساخت یک مقیاس هویت اخلاقی در بافت ایرانی بهره‌گیری از رگه‌های اخلاقی که افراد متعلق به فرهنگ غربی برای تعریف شخص اخلاقی به کار می‌برند، برای تعریف شخص اخلاقی در جامعه ایرانی هم مناسب است؟ پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این پرسش در قالب دو مطالعه، برای شناخت رگه‌های اخلاقی در نمونه‌ای از دانشجویان و سنجش روایی آنها در نمونه‌ای دیگر انجام شده است.

اگرچه پژوهش حاضر از نوع اکتشافی است و فرضیه خاصی مورد آزمون قرار نمی‌گیرد، با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در باب ارزش‌ها (برای مثال، دلخموش و احمدی‌مبارکه، ۱۳۹۰) مبنی بر اینکه ساختار و محتوای ارزش‌های جوانان ایرانی با الگوهای جهان‌شمول ارزش‌ها مطابقت دارد، اما دارای ویژگی‌های مختص به فرهنگ ایرانی است، و تأکید فرهنگ اسلامی و ادبیات غنی ایرانی بر فضائل اخلاقی چون پاکدامنی، تقوا، صبر، احترام به والدین، میان‌روزی، تواضع، وفای به عهد، گشاده‌رویی، امانتداری، شجاعت، حکمت، عدالت، و میهن‌پرستی، پیش‌بینی می‌شود که در پژوهش حاضر فهرستی از رگه‌های اخلاقی شناسایی شوند که افزون بر همگرایی با رگه‌های اخلاقی

این پنداشت‌ها در حکم پیش‌نمونه‌های شناختی سازمان می‌یابند، در اولین مطالعه خود، از خلال فرایندی استقرایی^۱ درصد شناسایی مجموعه رگه‌هایی برآمدند که به عنوان یک شخص اخلاقی در نمونه‌ای از دانشجویان در نظر گرفته شد. در مطالعات بعدی، آنها از این رگه‌ها به عنوان محرک‌های فراخواننده هویت سود جستند، با وقوف به اینکه این رگه‌ها، مجموعه جامعی از رگه‌ها را که اشخاص در همه جا به عنوان رگه‌های مهم برای هویت اخلاقی منحصر به فردشان در نظر می‌گیرند، تشکیل نمی‌دهند. آکینو و رید (۲۰۰۲) در اولین مطالعه، پس از تحلیل محتوای پاسخ‌ها به ۱۹ رگه دست یافتند. آنها در ساخت مقیاس هویت اخلاقی نهایتاً رگه‌هایی را انتخاب کردند که ۳۰ درصد پاسخ‌دهندگان به عنوان ویژگی فرد اخلاقی ذکر کرده بودند، یعنی ۹ رگه دلسوز، دلرحم، عادل، خوش‌برخورد، بخشنده، سختکوش، کمک‌کننده، صادق و مهربان و در دومین مطالعه، روایی این رگه‌ها را سنجیدند. مقیاس هویت اخلاقی آکینو و رید حاوی ۱۰ ماده و دو بعد درونی‌سازی^۲ و نمادینه‌سازی^۳ است. به شرکت‌کنندگان ۹ رگه اخلاقی فوق ارائه می‌شود و آنها باید به پنج ماده در مورد اهمیت آن رگه‌ها برای خودپنداشت‌شان (درونی‌سازی) و به پنج ماده در مورد ابراز این رگه‌ها در انظار عمومی از خلال اعمال‌شان (نمادینه‌سازی)، پاسخ دهند.

زینگ و کونگ (۲۰۱۴) نیز به ساخت و سنجش روایی یک مقیاس عینی هویت اخلاقی در جامعه چین مبادرت ورزیدند. آنها در پژوهش خود ۱۰ رگه را برای مقیاس خود انتخاب کردند (قابل اعتماد، مسئولیت‌پذیر، رعایت‌کننده وظایف نسبت به والدین، دلسوز، عادل، صادق، اصیل، باادب، تطمیع‌نشدنی، و کمک‌کننده).

از نظر روان‌شناسان فرهنگی سه حیطه گفتمان اخلاقی^۴ در جامعه انسانی وجود دارد: اخلاق خودپیرو^۵، اخلاق اشتراکی^۶، و اخلاق ربانیت^۷ (شودر، ماچ، ماهاپاترا و پارک، ۱۹۹۷). اگرچه همه نظام‌های اخلاقی حاوی عناصری از هر سه حیطه هستند، هر نظام اخلاقی معمولاً بر حیطه گفتمان اخلاقی خاصی تأکید می‌کند. نظام اخلاقی معاصر غربی به‌وسیله اخلاق خودپیرو مشخص می‌شود. مفهوم غربی از خود که در محیطی با

1. inductive
2. internalization
3. symbolization

4. moral discourse
5. ethics of autonomy
6. ethics of community

7. ethics of divinity
8. individualism
9. individual-centered

10. duty-based

رشته‌های علوم انسانی (۳۶ درصد) و علوم مهندسی (۶۴ درصد) دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد با میانگین سنی ۲۱/۱۸ و انحراف استاندارد ۳/۷۴ بود.

شرکت‌کنندگان یک برگ حاوی مشخصات فردی (بدون ذکر نام) و این عبارت را دریافت کردند: «لطفاً فکر کنید که یک فرد اخلاقی دارای چه ویژگی‌ها، خصوصیات یا صفاتی است. سپس، هر تعداد از ویژگی‌ها، خصوصیات یا صفاتی را که فکر کرده‌اید یک فرد اخلاقی دارد، در قسمت زیر بنویسید.» شرکت‌کنندگان بدون محدودیت زمانی در فضای فراهم‌شده در برگه نظر خود را درج کردند. در هر جلسه اجرا به‌طور متوسط زمان پاسخگویی شرکت‌کنندگان ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول می‌کشید.

فرایند قضاوت در مورد رگه‌ها. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به یک فهرست اولیه طولانی از رگه‌های اخلاقی منتهی شد. تحلیل محتوای پاسخ‌ها بر اساس پنج معیار (هاردی، والکر، السن، اسکالسی و باسینگر، ۲۰۱۱) به یک فهرست کوتاه‌تری از رگه‌های غیرزائد^۳ منجر شد: (۱) پاسخ‌های مرکب^۴ به پاسخ‌های جداگانه تقسیم شدند اگر هر یک به تنهایی مبین یک رگه بود (برای مثال، مؤدب/بافرهنگ دو پاسخ متفاوت در نظر گرفته شدند)، (۲) اسم‌ها به صفات تغییر داده شدند (برای مثال، انصاف به منصف تغییر داده شد)، (۳) معرف^۵ها حذف شدند (برای مثال، خیلی صبور به صبور تغییر یافت)، (۴) رگه‌های هم‌معنا^۶ یکی شدند (برای مثال، کسی که به دیگران اهمیت می‌دهد به دلسوز تغییر داده شد)، و (۵) پاسخ‌های نامتعارف^۷ و با فراوانی کم ($N < 3$) که قابل جمع با دیگر پاسخ‌ها نبودند، حذف شدند.

از پاسخ‌های ۱۲۲ شرکت‌کننده در پژوهش، فهرست اولیه‌ای مشتمل بر ۸۷۰ ویژگی استخراج شد. با در نظر گرفتن معیارهای پیشتر گفته‌شده، فهرست اولیه به فهرستی مشتمل بر ۲۶ رگه کوتاه شد: گشاده‌رو، بالدب، صادق، صبور، مهربان، منظم، نیکوکار، باایمان، عادل، متواضع، بخشنده، وفادار، قابل اعتماد، پرهیزکار، احترام به خود، دوراندیش، منطقی، سختکوش، سخاوتمند، فداکار، قانونمدار، آراسته، فرهیخته، باثبات، آرام، و شوخ‌طبع.

مطالعه ۲: سنجش روایی رگه‌های اخلاقی. نمونه دومین مطالعه را ۲۱۷ (۵۸ درصد زن) دانشجوی دوره کاردانی (۱۰ درصد)، کارشناسی (۷۸ درصد) و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم انسانی

به‌دست آمده از نمونه‌های غیرایرانی تفاوت‌هایی نیز با آنها داشته باشند.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی بود. روش‌شناختی این پژوهش به‌طور عمده مبتنی بر روش اتخاذ شده از سوی آکینو و رید (۲۰۰۲) بود که می‌توان آن را روش پیش‌نمونه اخلاقی^۱ نامید (منین و جردن، ۲۰۰۹). این روش برای اولین بار در حیطه اخلاق توسط والکر و پیترس (۱۹۹۸) مطرح شد. بر اساس نظریه پیش‌نمونه، بسیاری از مفاهیم و مقوله‌ها در شناخت روزمره به وسیله نمونه‌ها^۲ تعریف می‌شوند: برخی نمونه‌ها از نمونه‌های دیگر برای آن مفهوم اصلی‌تر و بنابراین در دسترس‌تر هستند (برای مثال، راش، ۱۹۷۷؛ فهر و راسل، ۱۹۸۴). والکر و پیترس (۱۹۹۸) برای شناخت اینکه پیش‌نمونه‌های اخلاقی چه ویژگی‌هایی را دربرمی‌گیرند از شرکت‌کنندگان خواستند در قالب یک تکلیف فهرست آزاد، ویژگی‌های یک شخص بسیار اخلاقی، مذهبی و معنوی را فهرست کنند. سپس این ویژگی‌ها را به ترتیب فراوانی مرتب کردند: شاخصی از قابلیت دسترسی روزمره. آنها در مطالعه دوم برای پی بردن به ساختار پیش‌نمونه‌ای پنداشت‌های اشخاص از شخص بسیار اخلاقی، مذهبی و معنوی از نمونه دیگری از شرکت‌کنندگان خواستند این ویژگی‌ها را درجه‌بندی کنند.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر دو مطالعه مقدماتی را در بر گرفت. مطالعه اول شامل یک تکلیف فهرست آزاد از رگه‌هایی بود که از نظر شرکت‌کنندگان یک شخص اخلاقی را توصیف می‌کرد. این مطالعه مجموعه‌ای از رگه‌های شخص اخلاقی را فراهم آورد. در دومین مطالعه برای دستیابی به شواهد بیشتر دال بر اینکه رگه‌های به‌دست آمده از مطالعه اول به عنوان محرک‌های فراخواننده هویت واجد روایی هستند، در نمونه‌ای متفاوت از نمونه مطالعه اول، رگه‌های اخلاقی درجه‌بندی شدند تا ۱۰ رگه‌ای که بیشترین اهمیت را از نظر دانشجویان دارند و به‌طور قابل اعتمادی می‌توانند هویت اخلاقی را در این گروه فعال سازند، مشخص شوند.

مطالعه ۱: شناسایی رگه‌های اخلاقی. نمونه مطالعه اول مشتمل بر ۱۲۲ (۵۶ درصد زن) دانشجوی دوره کارشناسی

1. moral prototype method	3. non-redundant	5. modifier	7. idiosyncratic
2. exemplars	4. compound	6. synonymous	

(برای مثال، نهج‌البلاغه، اخلاق ناصری) به فهرست اضافه شدند. افزون بر آن، برای مقایسه چهار رگه غیر اخلاقی^۱ چاپلوس، حسود، زورگو، انتقامجو و رگه اخلاقی نسبتاً خنثی^۲ فاصله‌جو^۳ نیز انتخاب شدند و در نهایت، شرکت‌کنندگان ۳۳ رگه را از ابتدا لازم نیست (یک) تا مسلماً لازم است (پنج) درجه‌بندی کردند. در هر جلسه اجرا، به‌طور متوسط زمان پاسخگویی شرکت‌کنندگان پنج تا ۱۰ دقیقه طول می‌کشید.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد درجه‌بندی هر رگه اخلاقی و نیز رگه‌های مقایسه‌ای در جدول ۱ نشان داده شده‌اند.

(۵۱ درصد)، علوم مهندسی (۳۷ درصد) و علوم پایه دانشگاه پیام نور (۵۹ درصد) و دانشگاه آزاد با میانگین سنی ۲۵/۷۸ و انحراف استاندارد ۹/۱۱ تشکیل دادند. دانشجویان دوره کاردانی و علوم پایه صرفاً از دانشگاه پیام نور بودند. ۷۲ درصد شرکت‌کنندگان مجرد بودند.

در اولین مطالعه، فهرستی از ۲۶ رگه غیرزائد که دانشجویان عموماً برای توصیف شخص اخلاقی به کار می‌برند به دست آمد. فهرستی که در دومین مطالعه به شرکت‌کنندگان داده شد مشتمل بود بر ۲۶ رگه مطالعه اول و دو رگه اخلاقی شجاع و میانه‌رو که در مطالعه اول نادیده گرفته شده بودند اما برای دستیابی به فهرست جامع‌تری از صفات اخلاقی بر مبنای منابع دینی و ادبی

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد رگه‌های اخلاقی و رگه‌های مقایسه‌ای

رگه	M	SD	رگه	M	SD
۱. بادب	۴/۶۲	۰/۶۴	۱۸. متواضع	۴/۰۲	۰/۸۶
۲. قابل اعتماد	۴/۵۸	۰/۶۲	۱۹. پرهیزکار	۳/۹۹	۰/۸۵
۳. صادق	۴/۴۵	۰/۷۴	۲۰. مهربان	۳/۹۵	۰/۸۷
۴. احترام به خود	۴/۴۲	۰/۷۰	۲۱. سخاوتمند	۳/۸۸	۰/۹۱
۵. منطقی	۴/۳۲	۰/۸۲	۲۲. نیکوکار	۳/۸۸	۰/۹۲
۶. عادل	۴/۲۹	۰/۸۰	۲۳. فرهیخته	۳/۸۶	۰/۸۷
۷. وفادار	۴/۲۹	۰/۸۵	۲۴. فداکار	۳/۷۸	۰/۸۸
۸. بالیمان	۴/۲۳	۰/۹۸	۲۵. بخشنده	۳/۷۶	۰/۹۱
۹. صبور	۴/۱۸	۰/۸۲	۲۶. میانه‌رو	۳/۷۱	۰/۹۸
۱۰. باثبات	۴/۱۵	۰/۸۴	۲۷. آرام	۳/۷۰	۰/۹۶
۱۱. آراسته	۴/۱۴	۰/۸۸	۲۸. شوخ‌طبع	۳/۶۳	۰/۸۷
۱۲. منظم	۴/۱۳	۰/۹۰	۲۹. فاصله‌جو	۲/۵۶	۰/۹۰
۱۳. شجاع	۴/۱۲	۰/۸۱	۳۰. انتقامجو	۲/۰۲	۱/۱۵
۱۴. سختکوش	۴/۱۰	۰/۸۶	۳۱. زورگو	۱/۸۶	۱/۰۸
۱۵. قانونمدار	۴/۰۹	۰/۸۸	۳۲. چاپلوس	۱/۶۹	۰/۸۸
۱۶. دوراندیش	۴/۰۵	۰/۸۷	۳۳. حسود	۱/۵۴	۰/۷۶
۱۷. گشاده‌رو	۴/۰۳	۰/۸۹	کل	۳/۷۶	۰/۸۳

همان‌طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند بالاترین نمره میانگین مربوط به رگه اخلاقی بادب و کمترین پراکندگی مربوط به رگه اخلاقی قابل اعتماد و کمترین نمره میانگین به رگه اخلاقی شوخ‌طبع و بیشترین پراکندگی مربوط به رگه‌های اخلاقی بالیمان و میانه‌رو است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود کلیه ۲۸ رگه اخلاقی واجد نمره بالاتری از پنج رگه مقایسه‌ای

همان‌طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند بالاترین نمره میانگین مربوط به رگه اخلاقی بادب و کمترین پراکندگی مربوط به رگه اخلاقی قابل اعتماد و کمترین نمره میانگین به رگه اخلاقی شوخ‌طبع و بیشترین پراکندگی مربوط به رگه‌های اخلاقی بالیمان و میانه‌رو است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود کلیه ۲۸ رگه اخلاقی واجد نمره بالاتری از پنج رگه مقایسه‌ای

جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد درجه‌بندی رگه‌های اخلاقی به تفکیک جنس

رگه اخلاقی	مرد		زن	
	SD	M	SD	M
۱. باادب	۰/۷۷۰	۴/۴۳۱	۰/۴۸۴	۴/۷۵۶
۲. قابل اعتماد	۰/۶۹۳	۴/۵۶۳	۰/۵۶۹	۴/۶۰۳
۳. صادق	۰/۸۵۱	۴/۳۱۸	۰/۶۵۵	۴/۵۵۲
۴. احترام به خود	۰/۷۲۱	۴/۳۹۰	۰/۶۸۲	۴/۴۵۹
۵. منطقی	۰/۹۶۰	۴/۲۰۴	۰/۷۰۲	۴/۴۰۵
۶. عادل	۰/۸۷۷	۴/۲۶۱	۰/۷۵۰	۴/۳۶۰
۷. وفادار	۰/۹۰۶	۴/۳۱۰	۰/۸۲۸	۴/۲۸۱
۸. باایمان	۱/۰۶۷	۴/۱۰۳	۰/۹۱۸	۴/۳۱۱
۹. صبور	۰/۹۳۵	۴/۱۰۲	۰/۷۳۱	۴/۲۴۵
۱۰. باثبات	۰/۹۴۶	۳/۹۷۷	۰/۷۴۴	۴/۲۸۱
۱۱. آراسته	۰/۸۸۳	۴/۰۲۲	۰/۸۷۳	۴/۲۱۹
۱۲. منظم	۰/۹۲۸	۴/۰۹۳	۰/۸۹۱	۴/۱۴۸
۱۳. شجاع	۰/۸۸۱	۴/۱۱۴	۰/۷۴۸	۴/۱۲۴
۱۴. سختکوش	۰/۹۳۲	۴/۰۵۷	۰/۸۲۳	۴/۰۹۷
۱۵. قانونمدار	۰/۹۷۵	۳/۹۴۳	۰/۸۰۶	۴/۱۹۵
۱۶. دوراندیش	۰/۹۱۴	۴/۰۰۰	۰/۸۴۶	۴/۰۶۵
۱۷. گشاده‌رو	۰/۹۰۲	۳/۸۹۶	۰/۸۷۲	۴/۰۹۷
۱۸. متواضع	۰/۹۴۸	۳/۷۹۵	۰/۷۷۹	۴/۱۷۸
۱۹. پرهیزکار	۰/۸۸۴	۳/۸۹۷	۰/۸۱۹	۴/۰۵۷
۲۰. مهربان	۰/۹۷۲	۳/۷۹۵	۰/۷۸۷	۴/۰۷۴
۲۱. سخاوتمند	۰/۹۲۱	۳/۶۹۷	۰/۹۰۰	۳/۹۷۵
۲۲. نیکوکار	۰/۹۰۸	۳/۸۱۶	۰/۹۴۵	۳/۹۱۷
۲۳. فرهیخته	۰/۸۹۰	۳/۷۳۸	۰/۸۵۸	۳/۹۵۰
۲۴. فداکار	۰/۹۵۱	۳/۶۹۳	۰/۸۳۶	۳/۸۵۳
۲۵. بخشنده	۱/۰۰۷	۳/۷۲۴	۰/۸۵۶	۳/۷۶۰
۲۶. میانه‌رو	۰/۹۷۹	۳/۶۲۰	۰/۹۸۸	۳/۷۸۳
۲۷. آرام	۰/۹۹۱	۳/۷۲۷	۰/۹۶۴	۳/۶۸۰
۲۸. شوخ‌طبع	۰/۹۲۷	۳/۶۱۳	۰/۸۴۷	۳/۶۵۸

روایی این فهرست بود (مطالعه دوم). این دو مطالعه با بهره‌گیری از الگوی آکینو و رید (۲۰۰۲) و روش پیش‌نمونه اخلاقی و با در نظر گرفتن این نکته انجام شدند که برای ساخت یک مقیاس هویت اخلاقی در بافت ایرانی به لحاظ تفاوت‌های فرهنگی لازم است داده‌هایی جمع‌آوری شوند که نمونه ایرانی برای تعریف شخص اخلاقی به کار می‌برند.

روی آورد پیش‌نمونه مطرح می‌سازد که اطمینان ما از اینکه یک شخص سزاوار آن است که باهوش، عاقل یا بسیار اخلاقی نامیده شود، به تشابه کلی آن شخص با پیش‌نمونه درونی‌شده مفهوم شخص^۱ بستگی دارد. هر چقدر شخصی صفاتی را بروز دهد که با آن پیش‌نمونه تطبیق دارند، با اطمینان و سرعت بیشتری می‌توان او را به عنوان عضو یک مقوله اجتماعی به خصوص شناسایی کرد. نشان داده شده است که وقتی پیش‌نمونه‌ها تشکیل و فعال

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند در نمونه زنان رگه باادب و در نمونه مردان رگه قابل اعتماد واجد بالاترین درجه‌بندی، و رگه شوخ‌طبع در هر دو جنس دارای پایین‌ترین درجه‌بندی هستند. ۱۰ رگه اول دارای بالاترین درجه‌بندی در زنان عبارتند از باادب، قابل اعتماد، صادق، دارای احترام به خود، منطقی، عادل، وفادار، باایمان، باثبات و صبور، و در نمونه مردان عبارتند از قابل اعتماد، باادب، دارای احترام به خود، صادق، وفادار، عادل، منطقی، شجاع، باایمان و صبور.

بحث

هدف این پژوهش در وهله اول شناسایی فهرستی از رگه‌هایی بود که دانشجویان غالباً برای توصیف شخص اخلاقی به کار می‌برند (مطالعه اول) و در وهله دوم سنجش

می‌شوند می‌توانند اثرات عمیقی بر شناخت و رفتار اجتماعی داشته باشند (والکر و پیتس، ۱۹۹۸).

از خلال مطالعه اول ۲۶ رگه شناسایی شدند. خاطرنشان می‌سازد این ۲۶ رگه تنها رگه‌هایی نیستند که مشخصه شخص اخلاقی‌اند. افزون بر آن، ممکن است مطرح شود که برخی از این رگه‌ها حتی برای یک انسان اخلاقی هم ضروری نیستند. در پاسخ می‌توان گفت این مطالعه مقدماتی به دنبال تولید فهرست فراگیری از رگه‌هایی نیست که با هویت اخلاقی هر شخصی مرتبط باشد. ممکن است داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه دیگر مجموعه، تا حد متفاوتی از این رگه‌ها را به دست دهد. اما، همان‌طور که پیشتر در باب تعریف هویت اخلاقی در پژوهش حاضر بیان شد فقط لازم است که رگه‌های انتخاب‌شده، مجموعه‌ای از پیوند با دیگر رگه‌ها را که با خودپنداشت اخلاقی شخص هماهنگ‌اند، فرا بخوانند (آکینو و رید، ۲۰۰۲). هماهنگ با نظریه پیش‌نمونه (فهر و راسل، ۱۹۸۴) نتایج تکلیف فهرست آزاد مبین آن است که ویژگی‌ها، فراوانی متفاوتی دارند و فاقد تغییر ناگهانی در فراوانی‌اند که مطرح‌کننده تفکیک ویژگی‌ها^۱ از غیرو ویژگی‌ها^۲ است.

این رگه‌ها دارای روایی محتوایی بودند چه با بسیاری از رگه‌هایی که به عنوان رگه‌های اخلاقی در منابع دینی و ادبی (برای مثال، قرآن کریم؛ نهج‌البلاغه؛ اخلاق ناصری) تعیین شده‌اند، و همچنین با پاره‌ای از ارزش‌های اخلاقی جهانی (کینز، کرنز و داوت‌هریس، ۲۰۰۰) و پژوهش بین‌فرهنگی در باب تعریف انسان خوب^۳ در هفت فرهنگ (اسمیت، اسمیت و کریستوفر، ۲۰۰۷) مطابقت داشتند؛ با این حال، دومین مطالعه با نمونه‌ای متفاوت از مطالعه اول برای دستیابی به شواهدی بیشتر دال بر روایی محتوایی رگه‌های به‌دست آمده به عنوان محرک‌های فراخواننده هویت انجام شد تا رگه‌هایی با بیشترین نمره، برای ساخت مقیاس هویت اخلاقی در مطالعه‌ای دیگر به‌کار گرفته شوند.

نتایج به دست آمده از مطالعه دوم (جدول ۱) قابل مقایسه با پژوهش دیگری در ایران نیست، چه این پژوهش اولین پژوهشی است که در این زمینه و با این روش‌شناختی انجام شده است. با این وجود، دلخوش (۱۳۸۵) در پژوهشی در باب

سلسله‌مراتب ارزشی دانشجویان گزارش کرده است، احترام به خود و صادق دارای بالاترین رتبه و ارزش متواضع واجد رتبه پایین هستند. نتایج پژوهش حاضر نیز مبین احراز درجه‌بندی بالای احترام به خود و صادق و درجه‌بندی پایین متواضع هستند.

بالا بودن درجه‌بندی‌های ۲۴ رگه از میانگین مقیاس نشان می‌دهد پاسخ‌دهندگان این رگه‌ها را برای توصیف یک شخص اخلاقی لازم و ضروری قلمداد کرده‌اند. کلیه رگه‌های اخلاقی به عنوان رگه‌هایی که به‌طور چشمگیری لازم‌تر از رگه‌های غیراخلاقی‌اند، مورد قضاوت قرار گرفتند. واری درجه‌بندی‌های یک شخص اخلاقی موضوع‌های مهمی را مطرح می‌سازد. درجه‌بندی بالای شخص باایمان یادآور این یافته کلی و دامون (۱۹۹۲) است که نمونه‌های اخلاقی هیچ شواهدی دال بر پردازش شناختی پیچیده‌ای که به تصمیم‌گیری اخلاقی‌شان منجر شود نشان نمی‌دادند بلکه تعهدات ایمانی^۴ عمیقی داشتند. درجه‌بندی بالا برای ویژگی‌های احترام به خود، منظم و سختکوش نشان می‌دهد اشخاص به فرد اخلاقی به عنوان کسی که دارای احساس قوی خود و عاملیت شخصی^۵ است، می‌نگرند. ارزشیابی بالای باثبات به طور ضمنی مبین آن است که اشخاص، افراد اخلاقی را به عنوان کسانی قلمداد می‌کنند که تمایل دارند طبق آرمان‌ها و اصول اخلاقی‌شان عمل کنند. پایین بودن درجه‌بندی ویژگی‌هایی چون نیکوکار، بخشنده و سخاوتمند را شاید بتوان این‌گونه تبیین کرد که تنگناهای اقتصادی در سال‌های اخیر در ایران، تعارض‌هایی را بین هدف‌های مربوط به منافع خود و هدف‌های مربوط به منافع دیگران به بار آورده است و بدین ترتیب از اهمیت این رگه‌های اخلاقی کاسته شده است. حضور ویژگی‌هایی چون عادل و منطقی در فهرست را می‌توان هماهنگ با الگوی اخلاق عدالت و منطقی‌نگر کلبگر (۱۹۸۱، ۱۹۸۴) در نظر گرفت.

رتبه پایین‌تر رگه‌های فداکار، میانه‌رو، و پرهیزکار شاید مطرح‌کننده این موضوع باشد که این ویژگی‌ها به مفهوم شخص دیگری تعلق دارند. به عبارت دیگر، پیش‌نمونه شخص اخلاقی از پیش‌نمونه شخص مذهبی، یا معنوی متفاوت باشد. والکر و پیتس (۱۹۹۸) نشان داده‌اند این سه مفهوم با یکدیگر

1. features

2. nonfeatures

3. good person

4. faith commitment

5. personal agency

منطق و ثبات صرفاً در نمونه ایرانی، تطمیع‌نشده^۳، رعایت‌کننده وظایف نسبت به والدین^۴، اصیل و مسئولیت‌پذیر فقط در نمونه چینی، و دلرحم، خوش‌برخورد، بخشنده، سختکوش و مهربان در نمونه آمریکایی واجد درجه‌بندی بالایی هستند. در پاره‌ای از پژوهش‌ها نشان داده شده است که اشخاص متعلق به فرهنگ‌های متفاوت بازنمایی‌های بسیار متفاوتی از خود دارند (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ کاشیما و دیگران، ۱۹۹۵). احتمالاً این دیدگاه‌های متفاوت نسبت به خود بر بسیاری از تجارب فردی از جمله ارزش‌ها و رگه‌های اخلاقی تأثیر می‌گذارد. در مجموع همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، مقایسه این سه پژوهش نشان می‌دهد در نمونه ایرانی فهرستی از رگه‌های اخلاقی شناسایی شدند که واجد همگرایی‌هایی با رگه‌های اخلاقی به‌دست آمده از نمونه‌های غیرایرانی هستند، اما تفاوت‌هایی را با آنها نشان می‌دهند. این یافته هماهنگ است با نتایج یک سلسله پژوهش‌هایی که در ایران در پی‌جویی اثر فرایند نوسازی بر ارزش‌های ایرانیان (دلخموش، ۱۳۸۴؛ دلخموش و احمدی‌مبارکه، ۱۳۹۰) انجام شده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش‌ها ساختار و محتوای ارزش‌های جوانان ایرانی در عین حال که با الگوی جهانشمول ارزش‌ها مطابقت دارند، واجد ویژگی‌های مختص به فرهنگ ایرانی است.

مرتبط‌اند اما رابطه نامتقارنی^۱ دارند؛ بدین معنا که برای اینکه فردی، شخص اخلاقی باشد نیاز نیست که ویژگی‌هایی را بروز دهد که برای مذهب و معنویت مهم هستند، اما برای اینکه فردی شخص مذهبی یا معنوی باشد باید بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی را نشان دهد. این یافته منعکس‌کننده این واقعیت است که دستورالعمل‌های اخلاقی رفتار همیشه از مؤلفه‌های اصلی آموزش‌های مذهبی بوده‌اند. رابطه نامتقارن اخلاق و مذهب در پژوهش ناسی و توریل (۱۹۹۳) نیز گزارش شده است.

مقایسه نتایج این درجه‌بندی‌ها با نتایج پاره‌ای دیگر از پژوهش‌های پیش‌نمونه اخلاقی می‌تواند قابل توجه باشد. از آنجا که پژوهش والکر و پیتس (۱۹۹۸) در گروه واجد میانگین سنی ۴۶/۳ و پژوهش هاردی و دیگران (۲۰۱۱) در گروه دارای میانگین سنی ۱۶/۹ انجام شده‌اند و پژوهش لپسلی و لسکی (۲۰۰۱) به واریسی ساختار پیش‌نمونه‌ای منش خوب^۲ اختصاص دارد، این مقایسه را به پژوهش‌های آکینو و رید (۲۰۰۲) و زینگ و کونگ (۲۰۱۴)، هر دو پژوهشی که با هدف ساخت یک مقیاس هویت اخلاقی انجام شده‌اند، محدود می‌کنیم. در جدول ۳، ۱۰ رگه‌ای که در این پژوهش‌ها دارای بالاترین درجه‌بندی‌اند، آورده شده‌اند. صادق و عادل، رگه‌هایی هستند که در سه پژوهش به عنوان توصیف‌کننده شخص اخلاقی درجه‌بندی شده است. صبر، ایمان، وفاداری، احترام به خود،

جدول ۳

۱۰ رگه اخلاقی دارای بالاترین درجه‌بندی در سه پژوهش

شخص اخلاقی (پژوهش حاضر) (n=۲۰۹، میانگین سنی ۲۵/۶۳)	شخص اخلاقی (زینگ و کونگ، ۲۰۱۴) (به‌طور دقیق ذکر نشده، n=۲۶۴)	شخص اخلاقی (آکینو و رید، ۲۰۰۲) (میانگین سنی ۲۲/۶، n=۱۴۱)
یادب	قابل اعتماد	دلسوز
قابل اعتماد	مسئولیت‌پذیر	دلرحم
صادق	رعایت‌کننده وظایف نسبت به والدین	عادل
احترام به خود	دلسوز	خوش‌برخورد
منطقی	عادل	بخشنده
عادل	صادق	سختکوش
وفادار	اصیل	کمک‌کننده
باایمان	بالدب	صادق
صبور	تطمیع‌نشده	مهربان
باثبات	کمک‌کننده	-

با یک احساس خود و عاملیت شخصی بر تمامیت شخص تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب شخص اخلاقی خود را متعهد می‌داند

در مجموع بر اساس این پژوهش، یک شخص اخلاقی دارای ارزش‌ها و اصول مستحکمی است. این ارزش‌ها و اصول

1. asymmetrical

2. good character

3. incorruptness

4. filialness

داشتند، پیشنهاد می‌شود نمونه‌های پژوهش‌های آینده را تعداد مساوی از زنان و مردان تشکیل دهند. در نهایت، با توجه به اکتشافی بودن پژوهش حاضر، پژوهش‌های دیگری مورد نیاز است که روایی نتیجه‌گیری پژوهش کنونی سنجیده شود.

منابع

دلخموش، م. ت. (۱۳۸۴). شناسایی محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی در دانشجویان ایرانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲ (۵)، ۳۴-۱۵.

دلخموش، م. ت. (۱۳۸۵). سلسله مراتب ارزشی دانشجویان ایرانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۳ (۸)، ۳۱۸-۲۹۹.

دلخموش، م. ت. و احمدی مبارکه، م. (۱۳۹۰). محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوانان ایرانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۸ (۲۹)، ۲۵-۵.

Aquino, K., Freeman, D., Reed, A., Lim, V. K. G., & Felps, W. (2009). Testing a social cognitive model of moral behavior: The interactive influence of situations and moral identity centrality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97, 123-141.

Aquino, K., & Reed, A., II (2002). The self-importance of moral identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, 1423-1440.

Blasi, A. (1980). Bridging moral cognition and moral action: A critical review of the literature. *Psychological Bulletin*, 88, 1-45.

Blasi, A. (1983). Moral cognition and moral action: A critical review of the literature. *Psychological Bulletin*, 88, 1-45.

Blasi, A. (1984). Moral identity: Its role in moral functioning. In W. M. Kurtines & J. L. Gewirtz (Eds.), *Morality, moral behavior, and moral development* (pp. 128-139). New York: Wiley.

Cervone, D., & Shoda, Y. (Eds). (1999a). *The coherence of personality: Social-cognitive bases of consistency,*

که بر مبنای این ارزش‌ها و اصول عمل کند و برای انجام دادن آن عمل شکیباست. این احساس عاملیت شخصی با پنداشت‌های مرتبط با دیگری همچون وفاداری، صداقت و قابلیت اعتماد در پیوند قرار دارد.

هر چند با توجه به نتایج پژوهش کنونی، ۲۴ رگه هم درجه‌بندی بالاتری از رگه‌های مقایسه‌ای دارند و هم واجد نمره بالاتر از میانگین مقیاس هستند و بدین ترتیب بهره‌گیری از آنها در ساخت مقیاس هویت اخلاقی موجب به‌نظر می‌رسد، اما مقایسه درجه‌بندی‌های زنان و مردان، مبین ۹ رگه مشترک است که در هر دو جنس حائز بالاترین درجه‌بندی هستند؛ یعنی، باادب، قابل اعتماد، صادق، دارای احترام به خود، منطقی، عادل، وفادار، بالیمان، صبور. برای همین، این ۹ رگه به عنوان رگه‌های فراخوانده هویت برای ساخت مقیاس هویت اخلاقی در دانشجویان (پژوهش در دست بررسی) به کار گرفته خواهند شد. همان‌طور که پیشتر بیان شد از نظر آکینو و رید (۲۰۰۲)، برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی نیازی نیست که به کل مجموعه رگه‌هایی که هویت اخلاقی منحصر به فرد شخص را تشکیل می‌دهند، دست یافت، بلکه همه آنچه برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی شخص لازم است، فعال‌سازی مجموعه رگه‌های اخلاقی است که با دیگر رگه‌های اخلاقی که ممکن است برای خودپنداشت شخص مهم‌تر باشند، پیوند دارند.

به‌رغم سهم این پژوهش در توسعه دانش در باب هویت اخلاقی، واجد محدودیت‌هایی نیز بود. اولاً در پژوهش حاضر، واژه‌های رگه‌ای مرتبط با شخص اخلاقی در دانشجویان شناسایی شدند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده پنداشت‌ها از شخص اخلاقی با روش‌های کیفی بررسی شوند که غنا و تنوع بیشتر پاسخ‌ها امکان داشته باشد. پژوهش حاضر محدود به دانشجویان به‌طور عمده دانشگاه‌های پیام نور و آزاد بود. فیشر و شوارتز (۲۰۱۱) مطرح کرده‌اند که ملت‌ها لزوماً همگن نیستند و ممکن است گوناگونی فرهنگی زیادی درون یک ملت مشاهده شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از نمونه معرفی از دانشجویان و دیگر جمعیت‌ها و گروه‌های سنی متفاوت برای شناسایی رگه‌های اخلاقی بهره گرفته شود. همچنین، در هر دو مطالعه بیشتر دانشجویان زن شرکت

- Hardy, S. A., Walker, L. J., Olsen, J. A., Woodbury, R. D., & Hickman, J. R. (2014).** Moral identity as moral ideal self: Links to adolescent outcomes. *Developmental Psychology, 50* (1), 45-57.
- Hart, D., Atkins, R., & Ford, D. (1999).** Family influences on the formation of moral identity in adolescence: Longitudinal analyses. *Journal of Moral Education, 28*, 375-386.
- Hwang, K. K. (2001).** Morality (East and West): Cultural Concerns. *International Encyclopedia of the social & Behavioral Sciences* (Vol. 15, 2nd ed). Elsevier science Ltd.
- Kohlberg, L. (1969).** Stage and sequence: The cognitive developmental approach to social-lization. In D. A. Goslin (Ed.), *Handbook of socialization theory and research* (pp. 347-480). Chicago, IL: Rand McNally.
- Kohlberg, L. (1981).** *Essays on moral development: The philosophy of moral development* (Vol. 1). San Francisco: Harper & Row.
- Kohlberg, L. (1984).** *Essays on moral development: The psychology of moral development* (Vol. 2). San Francisco: Harper & Row.
- Kohlberg, L., & Candee, D. (1984).** The relationship of moral judgment to moral action. In W. M. Kurtines & J. L. Gewirtz (Eds.), *Morality, moral behavior, and moral development* (pp. 52-73). New York: Wiley.
- Kashima, Y., Yamaguchi, S., Kim, U., Choi, S. C., Gelfand, M. J., & Yuki, M. (1995).** Culture, gender, and self: A perspective from individual-lism-collectivism research. *Journal of Personality and Social Psychology, 69*, 925-937.
- Kinnier, R. T., Kernes, J. L., & Dautheribes, T. M. (2000).** A short list of universal moral values. *variability and organization*. New York: Guilford.
- Colby, A., & Damon, W. (1992).** *Some do care: Contemporary lives of moral commitment*. New York: Free Press.
- Erikson, E. (1964).** *Insight and responsibility*. New York: Norton.
- Fehr, B., Russell, J. A. (1984).** Concept of emotion viewed from a prototype perspective. *Journal of Experimental Psychology: General, 113*, 464-486.
- Fischer, R. & Schwartz, S. H. (2011).** Whence differences in value priorities? Individual, cultural, or artifactual sources. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 42*, 1127-1144.
- Hardy, S. A. (2006).** Identity, reasoning, and emotion: An empirical comparison of three sources of moral motivation. *Motivation and Emotion, 30*, 207-215.
- Hardy, S. A., Bean, D. S., & Olsen, J. A. (2014).** Moral identity and adolescent prosocial and antisocial behaviors: Interactions with moral disengagement and self-regulation. *Journal of Youth and Adolescence*. Advance online publication. doi: 10.1007/s10964-014-0172-1
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2011a).** Moral Identity: What is it, how does it develop, and is it linked to moral action? *Child Development Perspectives, 5* (3), 212-218.
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2011b).** Moral identity. In S.J. Schwartz et al. (eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 495-513). New York: Springer.
- Hardy, S. A., Walker, L. J., Olsen, J. A., Skalski, J., & Basinger, J. C. (2011).** Adolescent naturalistic conceptions of moral maturity. *Social Development, 20*, 562-586.

- Reimer, K. S. (2014).** Moral identity. In *R. Levesque, Encyclopedia of Adolescence* (pp.1785-1790). New York: Springer.
- Rest, J. R. (1983).** Morality. In P. Mussen, J. Flavell, & E. Markman (Eds.), *Handbook of child psychology: Cognitive development* (Vol. 3, pp. 556-628). New York: Wiley.
- Shweder, R. A., Much, N. C., Mahapatra, M., & Park L. (1997).** The “big three” of morality (autonomy, community, divinity) and the “big three” explanations of suffering. In A. M. Brandt & P. Rozin (eds.), *Morality and health* (pp. 119-169). New York: Routledge.
- Smith, K. D., Türk-Smith, S., & Christopher, J. C. (2007).** What defines the good person? Cross-cultural comparisons of experts’ models with lay prototypes. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 38, 333-360.
- Walker, L. J., & Frimer, J. A. (2009).** ‘The song remains the same’: Rebuttal to Sherblom’ envisioning of the legacy of the care challenge. *Journal of Moral Education*, 38, 53-68.
- Walker, L. J., & Pitts, R. C. (1998).** Naturalistic conceptions of moral maturity. *Developmental Psychology*, 34, 403-419.
- Xing, X. Z., & Keung, M. H. (2014).** Moral Identity in Chinese Context: Construction and validation of an objective measure. *Research on Humanities and Social Sciences*, 4 (2), 34-45.
- Counseling and Values*, 45, 4-16.
- Lapsley, D. K. (1996).** *Moral psychology*. Boulder, CO: Westview.
- Lapsley, D. K. (1998).** An outline of a social-cognitive theory of moral character. *Journal of Research in Education*, 8, 25-32.
- Lapsley, D. K., & Lasky, B. (2001).** Prototypic moral character. *Identity*, 1, 345-363.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991).** Culture and the self: implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review*, 98, 224-253.
- Matsuba, M. K., & Walker, L. J. (2004).** Extraordinary moral commitment: Young adults working for social organizations. *Journal of Personality*, 72, 413-436.
- Monin, B., & Jordan, A. H. (2009).** The dynamic moral self: A social psychological perspective. In D. Narvaez & D. Lapsley (Eds.), *Personality, identity, and character: Explorations in moral psychology* (pp. 341-354). New York: Cambridge University Press.
- Nucci, L., & Turiel, E. (1993).** God’s word, religious rules, and their relation to Christian and Jewish children’s concepts of morality. *Child Development*, 64, 1475-1491.
- Piaget, J. (1932).** *The moral judgement of the child*. NY: Harcourt, Brace Jovanovich.
- Rosch, E. (1977).** Human categorization. In N. Warren (Ed.), *Studies in cross-cultural psychology* (Vol. 1, pp. 1-49). San Diego, CA: Academic Press.